



این شماره تقدیم میشود به  
**شهید ماکان نصیری**  
دانش آموز مدرسه شجره طیبه  
میناب که با وجود گذشت بیش  
از ۴۰ روز از جنایت آمریکایی‌ها  
در میناب هنوز جاویدالاثر است  
و پیکر او شناسایی نشده است.



# صدای ایران

ویژه دفاع مقدس  
**مردم ایران**  
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی

روزنامه اینترنتی  
**KHAMENEI.IR**  
پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۵

رسانه رهبر انقلاب  
@RahbarengheLab

ملت آگاه و هوشیار ایران گرجه نشان داد در غم بزرگ فراق پیشوای شهیدش داغدار است ولی با تاسی به میراث‌داران بی‌واسطه عاشورای حسینی، از این داغ، حماسه و از رثاء، رجز ساخت. و همه اینها دشمن تا بن دندان مسلح را به حیرت و استیصال انداخته و آزادگان جهان را به تحسین واداشته است. ۱۴۰۵/۰۱/۲۰

# مقاومت ملی ایران سرمشق آزادگان جهان



سرمقاله

مشکل محاسباتی دشمن در راه اندازی و ادامه جنگ علیه ایران آن بود که همه چیز را روی کاغذ و از درجه مادیات دیده بود. اما پیروز جنگ‌ها از دل این محاسبات بیرون نمی‌آید و میزان رسیدن به اهداف راهبردی است که بازنده و برنده جنگ را تعیین می‌کند. این‌ها تنها سطوح ارزیابی و سنجش نتیجه جنگ نیستند و آن‌هایی که نگاهی عمیق تر و ژرف‌تر دارند، افق‌های دیگری را می‌بینند و می‌سنجند. بسیاری از رسانه‌ها و تحلیلگران جهانی، جنگ جاری علیه ایران را با بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ مقایسه می‌کنند. مصر کانال سوئز را ملی کرد و کنترل عبور از آن را به دست گرفت و به دنبال آن، انگلیس، فرانسه و رژیم صهیونیستی در واکنش به این اقدام، به مصر حمله کردند. اغلب تحلیلگران این ماجرا را که با شکست و تحقیر طرف‌های مهاجم همراه بود، نقطه عطف پایان هژمونی جهانی بریتانیا می‌دانند. چهار سال پس از این ماجرا، نخست‌وزیر وقت

انگلیس در یک سخنرانی، از آن بحران و عواقبش به عنوان «بادهای تغییر» نام برد که مقاومت‌ناپذیر بود و در توصیف شرایط چنین گفت: «چه بخواهیم چه نخواهیم، این رشد آگاهی ملی یک واقعیت سیاسی است.» نکته مهم و تعیین‌کننده در همین عبارت نهفته است؛ «رشد آگاهی ملی». جنگ تحمیلی سوم علیه ایران را صرفاً نباید از دریچه و با معیار بمب و موشک و معیارهای نظامی و حتی سیاسی و دیپلماتیک سنجید. این معیارها لازم، اما برای فهم تمام واقعیت و عمق ماجرا، ناکافی هستند. هرچند سانسوری شدید و مرگبار حاکم بر جامعه اغلب کشورهای عربی جنوب خلیج فارس حاکم است، اما با این وجود نیز انگشت‌شمار ویدئوهای مردمی که از این کشورها به فضای مجازی راه یافت، نشانگر واقعیتی قابل تأمل است. موشک ایرانی در آسمان می‌درخشد و در پرواز است و شلیک‌های پدافندی

نیز قادر به سدره آن نیستند. شهروند عرب ساکن این کشورها که با گوشی تلفن همراه خود مشغول ثبت این صحنه است، با شور و شعفی خاص از اینکه موشکی ایرانی در حال اصابت به پایگاه آمریکایی در خاک کشورش است، ابراز شادی و هیجان می‌کند و پس از اصابت، چنان فریاد می‌کشد که گویی خود او پرتابگر آن موشک یا پهپاد بوده است! این گوشه‌ای و بارقه‌ای از تحسین آزادگان جهان نسبت به مقاومت جانانه ایران در برابر استکبار است. یکی از دلایل اصلی فشار به روزنامه‌نگاران مستقل و آزاده منطقه و حتی بازداشت برخی از آنان. مانند احمد شهاب‌الدین، روزنامه‌نگار بین‌المللی. ممانعت از بروز و ظهور رسانه‌ای همین «رشد آگاهی ملی» است. استکبار و استعمار همیشه کار خود را با نمایش قدرت (بیش از آنچه در عمل دارد)، تهدید و ارباب‌وآدار کردن دیگران به تسلیم و سکوت پیش برده است.

آمریکادر اواسط دی ماه سال گذشته با حمله‌ای هالیوودی به ونزوئلا و دستگیری رئیس‌جمهور این کشور و همسرش، نمایش پسر و صدای دیگری را روی صحنه بردند و نفس بسیاری را در جهان در سینه حبس کردند، اما از سرمستی آن نمایش هالیوودی تاگیر کردن در باتلاق جنگ ایران، کمتر از دو ماه فاصله بود. رزمندگان ایران در میدان نبرد و مردم ایران در خیابان، توحالی بودن آن شکوه و جلال و اقتدار پوشالین را پیش چشم جهانیان اثبات کردند و به همه نشان دادند «پادشاه لخت است». همان‌طور که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیام اخیرشان فرمودند: «جهالت و نادانی مستکبران باعث شد که اسفند ۱۴۰۴ سرآغاز فصل نوین از قدرت‌گیری و برآمدن نام ایران و انقلاب اسلامی گردد و پرچم ایران اسلامی نه فقط در جغرافیای خاکی کشورمان، بلکه در عمق دل‌های حق‌جویان جهان برافراشته شود.»



مرهمی آمده بر بی‌سر و سامانی ما، بعثت خون شده فریاد پریشانی ما. دل اگر سوخته، از داغ غم خورشید است، گرچه، یادش به ورق‌های زمان جاوید است. ما کجا از خطر حادثه می‌ترسیدیم؟ ما که سید علی‌خامنه‌ای را دیدیم. هر

چه داری به مضاف ای سگ خونخوار بیار، پنگر، ملت مبعوث کجا پای فرار! نور حق چون که میان دل مردان جاری‌ست، سر سپردن به سیاهی زمان بی‌عاری‌ست. باید این بار به فرمان خدا برخیزیم، چون علمدار وفا سوی بلا برخیزیم.

آخرین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

اعتراف

## آمریکادر دام تنگه

اسپوتنیک در گزارشی نوشته است: «آمریکا قصد داشت با محاصره دریایی، ایران را تسلیم کند، اما این سیاست به دامی برای خود آمریکا تبدیل شده است.» محاصره تنگه هرمز از سوی آمریکا، بیش از آنکه یک اهرم فشار علیه ایران باشد، به خطایی راهبردی شبیه است که هزینه‌های آن پیش از هر جادر داخل خود آمریکا آشکار شده است. واکنش با این تصور وارد این بازی شد که می‌تواند با اختلال در یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی، تهران را وادار به عقب‌نشینی کند و ناکامی‌های میدانی را جبران سازد. اما واقعیت پیچیده‌تر از این محاسبه بود. بازار انرژی برخلاف تصور سیاست‌گذاران آمریکایی، تابع مرزهای جغرافیایی نیست. افزایش تنش در تنگه هرمز، به جهش قیمت جهانی نفت بالای ۱۰۰ دلار منجر شد. طبق گزارش اسپوتنیک حتی با وجود تولید روزانه ۱۳.۵ میلیون بشکه نفت، آمریکا از منطق بازار جهانی جدا نیست. افزایش قیمت نفت خام، هزینه پالایش را بالا برد و مصرف‌کننده آمریکایی را با بترین بالای ۴ دلار مواجه کرد. ابزاری که قرار بود ایران را تحت فشار بگذارد، به یک «خودتخریبی» برای آمریکا تبدیل شد. اکنون واکنش‌ها تنها در تغییر رفتار تهران ناکام مانده، بلکه در برابر فشار افکار عمومی داخلی نیز قرار گرفته است.

جنگ منطقه‌ای

## آتش بس در لبنان ثمره مقاومت دیپلماتیک ایران

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، امروز از آغاز آتش بس ۱۰ روزه در لبنان خبر داد. در حقیقت، این اعلام آتش بس تلاشی از سوی ترامپ برای مصادره یک واقعیت میدانی به نفع روایت آمریکا است؛ اما آنچه در عمق تحولات جریان دارد، نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده ایران در شکل دهی به این نتیجه است. از ابتدای جنگ چهل روزه، ایران با تکیه بر راهبرد «میدان-دیپلماسی» توانست موازنه‌ای ایجاد کند که ادامه درگیری را برای متجاوزان پرهزینه و فرسایشی سازد. این تغییر موازنه در صحنه عمل و از طریق تثبیت بازدارندگی مقاومت رقم خورد. در ادامه، ایران این برتری میدانی را به اهرم فشار در مذاکرات با آمریکا تبدیل کرد و صراحتاً اعلام نمود که هرگونه آتش بس باید شامل جبهه لبنان نیز باشد؛ شرطی غیرقابل چشم‌پوشی که عملاً به طرف مقابل تحمیل شد. به این ترتیب، آتش بس نه به عنوان «ابتکار» واکنش، بلکه به عنوان نتیجه پذیرش یک الزام تحمیلی از سوی ایران شکل گرفت. تهران نشان داد که قادر است با اتکا به قدرت میدانی، اراده خود را در میز مذاکره نیز تثبیت کند. در این چارچوب، آتش بس لبنان نماد تغییر توازن قدرت و ظهور الگویی جدید از تحمیل اراده ایران به آمریکا است. بنابراین، تلاش ترامپ برای معرفی این آتش بس به عنوان هدیه‌ای به لبنان، تحریف کامل واقعیت‌های میدانی است که البته رسانه‌های جهان نیز به آن اذعان کرده‌اند. به عنوان مثال، شبکه اسرائیلی «آی ۲۴» نوشته است که ایران آتش بس لبنان را بر آمریکا تحمیل کرد.

روایت

## ۴۷ روز گذشت

### از ماکان فقط یک جفت کفش...

جاویدالاثر که قرار نیست همیشه نامی آشنا مثل مهدی باکری، حمید باکری یا احمد متوسلیمان داشته باشد. گاهی این عنوان، بر شانه‌های کوچک کودکی هفت‌ساله به نام ماکان نصیری هم می‌تواند بنشیند. کودکی از کلاس اول مدرسه شجره طیبه میناب که با گذشت ۴۷ روز، نه پیکر و نه جزی از پیکرش پیدا شد، جز چند یادگار ساده. از میان آوارهای آن فاجعه جنایت‌آفرینی، فقط یک پولیور آبی مجاله شده و یک جفت کفش ورزشی کره‌رنگ بیرون کشیده شد و این تمام سهم خانواده نصیری از کودکی است که باید حالا مشق شبش را می‌نوشت. از ماکان نه پیکری برای تشییع وجود داشت، نه مزاری برای آرام گرفتن وجود دارد. تنها یادبود او شده محتویات صندوق شیشه‌ای کوچکی که در مسجد مهدیه محله اسلام آباد میناب جا گرفته است. حتی آزمایش‌های DNA هم نتوانستند ردی از ماکان هفت‌ساله پیدا کنند. تقدیر ماکان هم این بود که نامش به فهرست شهدای مظلوم جاویدالاثر ایران عزیز اضافه شود تا روایت‌گر و نشانه‌ای زنده از مظلومیت کودکان مدرسه شجره طیبه باشد که پیکرهای نحیف‌شان با موشک‌های دشمنان انسانیت تکه‌تکه شد.